

بررسی و مقایسه توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در پیش بینی جریان‌های نقدی آتی

یونس بادآور نهندی*

استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، گروه حسابداری، تبریز، ایران

رسول برادران حسن زاده

استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، گروه حسابداری، تبریز، ایران

زینب برزگر نوشهر

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی، تبریز، ایران

چکیده

این تحقیق، اعمال نظر مدیریت بر ارقام تعهدی از دو جنبه مدیریت افزایش سود و مدیریت کاهش سود مورد توجه قرار گرفته است و در این راستا وجود انگیزه‌های فرصت طلبانه از طریق تبعیت مدیر از یک سود هدف، در جهت مقایسه توانایی پیش‌بینی کنندگی ارقام گزارش شده اولیه با ارقام تجدید ارائه شده در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی، بررسی شد. نمونه آماری تحقیق شامل ۴۷۸ شرکت - سال از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که در طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ حداقل یکبار تجدید ارائه داشته‌اند. نتایج حاکی از این است که توان اطلاعات اولیه حسابداری در تبیین تغییرات جریان نقد آتی، از توانایی اطلاعات تجدید ارائه شده، بالاتر است. در این میان، تفاوت توان اطلاعات اولیه و تجدید ارائه شده در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی در نمونه‌های مدیریت افزایش سود فرصت طلبانه و نمونه مدیریت کاهش سود غیر فرصت طلبانه، به لحاظ آماری معنادار است.

واژگان کلیدی: تجدید ارائه صورت‌های مالی حسابداری، ارقام تعهدی، توان پیش‌بینی اطلاعات حسابداری، مدیریت سود.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۶/۲

۱- مقدمه

کارآیی بازارهای اوراق بهادار، منوط به وجود اطلاعات عمومی است که این خود شامل اطلاعات ارائه شده در صورتهای مالی و سایر اطلاعات افشا شده توسط شرکتها که عمدتاً نتیجه تحلیل مدیران است، می باشد. طبق تحقیقات فرانسویس و همکاران (۲۰۰۸). مدیران به اطلاعاتی علاوه بر صورتهای مالی دسترسی دارند که برای شرکت محرمانه تلقی می شود. در نتیجه اطلاعات سریعتر و کم هزینه تر در اختیار مدیران قرار می گیرد. اساساً افشای اختیاری و اجباری دو مجرای ارتباطی مهم مدیران برای انتقال اطلاعات به سهامداران بیرونی است. مطالعات متعدد نشان میدهد که این دو نوع افشاء، اطلاعات ارزشمند و مربوطی دارد و بطور معنادار بر قیمت اوراق بهادار تأثیر می گذارد. در ضمن پیش بینی جریان نقدی امر مهمی می باشد که در بسیاری از تصمیمات اقتصادی مورد نیاز است. زیرا جریان های نقدی نقش مهمی را تقریباً در تمامی تصمیم گیری های گروه هایی مانند تحلیل گران اوراق بهادار، اعتبار دهندگان و مدیران بازی می کنند. به عبارت دیگر هدف کلی از تجزیه و تحلیل های بنیادی، پیش بینی جریان های نقدی آتی شرکت ها می باشد. زیرا که جریان های نقدی مبنای پرداخت سود سهام، بهره و بازپرداخت بدهی است و توانایی یک شرکت در پرداخت سود سهام از توانایی اش در ایجاد جریان نقدی منتج می شود. (خواجوی و ناظمی، ۱۳۸۴)

شواهد نشان می دهد که کیفیت اطلاعات منتشر شده از جانب مدیران، ممکن است تحت تاثیر انگیزه های منفعت جویانه آنان باشد. این انگیزه ها و نقش آنها در انحراف اطلاعات، توانایی پیش بینی کنندگی اطلاعات را تحت تاثیر قرار می دهد و ممکن است استفاده کنندگان را گمراه نماید. هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی تاثیر انگیزه های فرصت طلبانه مدیر بر توان اطلاعات اولیه و تجدید ارائه در پیش بینی جریان های نقدی آتی می باشد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دیچو و همکاران (۲۰۰۳) بیان می کنند که حسابداری اطلاعات ارزشمندی را در اختیار سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان اطلاعات مالی قرار می دهد. برآوردهای حسابداری و پیش بینی ها ارتباط اطلاعات مالی و چشم انداز سرمایه گذاران از اطلاعات درونی را بهبود می بخشد، از این رو به طور بالقوه برای سرمایه گذاران مفید هستند. اما طبق تحقیقات بادرچر و همکاران (۲۰۱۱) باید در نظر داشت که برآوردهای حسابداری که در اقلام تعهدی منعکس می شوند؛ به وسیله مدیران تهیه می شود و کیفیت آن می تواند تحت تاثیر انگیزه های منفعت جویانه و فرصت طلبانه آنان قرار گیرد. هیللی و همکاران (۱۹۹۳) شواهدی بدست آورده اند که مدیریت، رویه های حسابداری اختیاری را برای افزایش پاداش های پرداختی بصورت فرصت طلبانه ای تغییر می دهد. همچنین، نشان دادند که مدیریت اقلام تعهدی را در جهت بیش نمایی سودخالص و دارایی ها، برای اجتناب از تخطی از قراردادهای بدهی دستکاری می کند. طبق

یافته های بادرچر و همکاران (۲۰۱۱) چنین اعمال نظرهایی، متاثر از انگیزه های فرصت طلبانه مدیران است و منجر به انحراف ارقام گزارش شده از رویدادهای واقعی شده و ارزش پیش بینی کنندگی ارقام را مختل می کند. در این میان، برخی از رویه های اختیاری ارقام تعهدی با اصول پذیرفته شده حسابداری منطبق هستند و در محدوده این اصول می باشند. زیرا که بسیاری از قواعد منطبق بر اصول پذیرفته شده حسابداری، سطوحی از انعطاف پذیری، تفسیر و قضاوت در انتخاب رویه های خاص گزارشگری مالی و برآوردهای حسابداری را برای مدیران مجاز می کند. برخی دیگر از این رویه ها، از محدوده اصول پذیرفته شده خارج می شوند که توسط تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و یا حسابرسان، بعنوان تخطی از مقررات محسوب شده و در نهایت منجر به تجدید ارائه ارقام می شود. این تجدید ارائه ها نتیجه انتخاب برخی از رویه های گزارشگری مالی در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری هستند که بعنوان بکارگیری نادرست و یا خطا در بکارگیری این اصول مورد توجه می باشند. بنابراین، مستقل از انگیزه های فرصت طلبانه مدیران هستند و از این جهت، در این تحقیق سعی شده است که از تجدید ارائه های ناشی از انگیزه های فرصت طلبانه مدیران، تفکیک شوند.

مطابق با مباحث فوق، پیش بینی می شود که چنانچه مدیریت در انتخاب روشهای اختیاری حسابداری، رسیدن به اهداف سود را مدنظر قرار دهد، نقش اطلاعاتی ارقام تعهدی برآمده از این انتخابها، خدشه دار شده و توانایی پیش بینی کنندگی آنها برای برآورد جریانهای نقدی آتی کاهش می یابد. این در حالی است که ارقام تجدید ارائه شده، عاری از اعمال نظرهای سوگیرانه مدیران است و احتمالاً ارزش پیش بینی کنندگی بیشتری دارند. در تحقیق حاضر، اعمال نظر مدیریت بر ارقام تعهدی اختیاری از جنبه مدیریت افزاینده و کاهنده سود مورد توجه قرار گرفته و در این راستا وجود انگیزه های فرصت طلبانه مدیر از طریق تبعیت او از یک سود هدف، در جهت مقایسه توانایی پیش بینی کنندگی ارقام گزارش شده اولیه با ارقام تجدید ارائه شده، بررسی می شود. بر این اساس مساله اصلی تحقیق، بصورت ذیل بیان می شود.

توان ارقام گزارش شده اولیه با توان ارقام تجدید ارائه شده در پیش بینی جریانهای نقدی آتی چه تفاوتی دارد؟

پیشینه تحقیق

طبق نتایج کسب (۲۰۰۶)، صورتهای مالی تجدید ارائه شده به صورت شفاف و صریح پیام و علامتی پیرامون قابل اتکا نبودن صورتهای مالی دوره های گذشته و کیفیت پایین آنها ارائه می نماید. بنابراین، پس از ارائه مجدد، انتظارات سرمایه گذاران در ارتباط با جریانهای نقدی آتی و نرخ بازده مورد انتظار آنها تغییر می یابد.

نتایج پژوهش گلی سن و همکاران (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که تجدید ارائه، اطلاعاتی را در مورد بدتر شدن وضع اقتصادی در صنعت انتقال می‌دهد. به بیان دیگر، این پیام مخابره می‌شود که چشم‌انداز صنعت رو به افول است (کاظمی، ۱۳۸۹، ۷۵).

لورک و ویلینگر (۲۰۰۹) در تحقیقی، به بررسی توانایی جریان‌های نقدی عملیاتی گذشته و سود عملیاتی گذشته، برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که جریان‌های نقدی گذشته نسبت به سود عملیاتی گذشته، پیش‌بینی بهتری را از جریان‌های نقدی عملیاتی آتی انجام می‌دهند و معمولاً این پیش‌بینی در شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک، به طور دقیق‌تری صورت می‌گیرد.

بادرچر و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان رویه‌های اختیاری حسابداری و توان پیش‌بینی اقلام تعهدی با توجه به جریان‌های نقدی آتی، از یک نمونه از صورت‌های مالی تجدید ارائه شده شرکت‌ها برای طبقه‌بندی شرکت‌ها مبتنی بر انگیزه‌های فرصت طلبانه مدیران در تغییر اقلام تعهدی اختیاری استفاده کردند. آنها نشان دادند که در خصوص نمونه مدیریت سود مبتنی بر انگیزه‌های فرصت طلبانه مدیران، سود گزارش شده اولیه و اجزای تشکیل دهنده اقلام تعهدی در مقایسه با ارقام تجدید ارائه شده، توانایی پیش‌بینی کمتری جهت برآورد جریان‌های نقدی آتی دارند. در حالیکه در خصوص سایر شرکت‌ها، عکس این نتیجه بدست آمد. کردستانی و لطفی (۱۳۹۰) به بررسی ارتباط بین خطای پیش‌بینی مدیریت از سود سال آتی شرکت و اقلام تعهدی سال جاری پرداختند. آنها استدلال نمودند که به دلیل عدم اطمینان در محیط عملیاتی، برآوردهای مدیران از چشم‌انداز تجاری شرکت کامل نیست. با توجه به اینکه برآوردهای ناقص مدیران هم فرآیند ایجاد اقلام تعهدی و هم فرآیند پیش‌بینی سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یافته‌های حاصل از تحقیق نشان دهنده ارتباط مثبت بین اقلام تعهدی و خطای پیش‌بینی مدیریت از سود است. همچنین نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد این ارتباط مثبت در شرکت‌هایی که دارای نوسان بیشتری در جریان‌های نقدی عملیاتی هستند، بیشتر است.

خواجوی و زارع (۱۳۹۱) در تحقیقی، به بررسی مقایسه‌ای بین کیفیت سود گزارش شده با سود تجدید ارائه شده پرداختند. آنها استدلال نمودند که تجدید ارائه سود این مفهوم را با خود به همراه دارد که سود گزارش شده (در دوره گذشته) رقم نادرستی بوده است و در نتیجه نیازمند اصلاح است. نتایج تحقیق حاکی از این بود، که کیفیت سود تجدید ارائه شده در مقایسه با سود گزارش شده از پایداری و قابلیت پیش‌بینی بیشتری برخوردار است.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی در نمونه مدیریت افزاینده سود فرصت طلبانه تفاوت وجود دارد.

فرضیه دوم: بین توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در پیش بینی جریان-های نقدی آتی در نمونه مدیریت افزایش سود غیر فرصت طلبانه تفاوت وجود دارد.

فرضیه سوم: بین توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در پیش بینی جریانهای نقدی آتی در نمونه مدیریت کاهش سود فرصت طلبانه تفاوت وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در پیش بینی جریانهای نقدی آتی در نمونه مدیریت کاهش سود غیر فرصت طلبانه تفاوت وجود دارد.

۳- روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر را می توان از نوع پس رویدادی طبقه بندی نمود. بنابراین توصیفی از نوع همبستگی و از لحاظ هدف، کاربردی است و در آن تاثیر رفتار گزارشگری مدیران واحدهای انتفاعی بر کیفیت اطلاعات، به لحاظ توان پیش بینی، مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۱- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. شرایط ذیل در خصوص شرکتهای جامعه آماری موردنظر می باشد.

۱) پایان سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.

۲) شرکت در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداشته باشد.

۳) نماد معاملاتی شرکت فعال و بیش از ۴ ماه در سال بصورت پیوسته توقف نماد معاملاتی نداشته باشد.

۴) اطلاعات مالی شرکت در دوره مورد مطالعه در دسترس باشد.

۵) در طول دوره تحقیق، بیش از یکبار تجدید ارائه اطلاعات داشته باشد.

بنا بر این حجم نهایی نمونه با توجه به جدول زیر ۴۷۸ شرکت - سال می باشد.

جدول ۱: حجم نهایی نمونه

۳۱۲ شرکت	تعداد شرکتهای که در سالهای ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۹ بطور مستمر در بورس حضور داشته اند.
۲۴۷ شرکت	تعداد شرکتهای که جزء شرکتهای سرمایه گذاری، بانکها و بیمه ها نبوده اند.
۲۰۴ شرکت	تعداد شرکتهایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند می باشد
۱۹۸ شرکت	تعداد شرکتهایی که در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداده اند
۱۳۹ شرکت	تعداد شرکتهایی که بیش از ۴ ماه در سال از سالهای دوره تحقیق، بصورت پیوسته توقف نماد معاملاتی نداشته اند.
۱۲۰ شرکت	تعداد شرکتهایی که در طول دوره تحقیق، بیش از یک بار تجدید ارائه اطلاعات داشته اند.
۷۲۰ شرکت - سال	تعداد شرکت - سالهایی که در طول دوره تحقیق بیش از یکبار تجدید ارائه داشته اند (۱۲۰×۶)
۴۷۸ شرکت - سال	تعداد شرکت - سالهایی که در طول دوره تحقیق (با توجه به چهارچوب نظری بارث و همکاران) اطلاعات دوره جاری (t) و دوره ماقبل (t-1) و تجدید ارائه شده آنها در دست می باشد.

۲-۳- متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته این تحقیق، توان پیش بینی اطلاعات حسابداری اولیه و تجدیدارائه شده در خصوص پیش بینی جریانهای نقدی آتی موردنظر قرار گرفته است. این متغیر از طریق تبیین ارتباط بین جریانهای نقدی آتی (دوره t+1) با جریانهای نقدی جاری (دوره t) از طریق مدل رگرسیونی زیر (چارچوب نظری بارث و همکاران (۲۰۰۱)) اندازه گیری می‌شود. مدل ۱: مدل رگرسیونی (چارچوب نظری بارث و همکاران)

$$CFO_{jt+1} = a_0^k + b_1^k CFO_{jt} + b_2^k \Delta AR_{jt} + b_3^k \Delta INV_{jt} + b_4^k \Delta AP_{jt} + b_5^k DPAMT_{jt} + b_6^k OTHER_{jt} + \varepsilon_{jt}^k$$

CFO جریانهای نقدی عملیاتی

ΔAR : تغییر در حساب‌های دریافتی تجاری

ΔINV : تغییر در موجودی مواد و کالا

ΔAP : تغییر در حساب‌های پرداختی تجاری

DPAMT: هزینه استهلاک

OTHER: مجموع سایر اقلام تعهدی مازاد بر اجزای ذکر شده فوق است که بصورت ذیل

محاسبه می‌شود

$$OTHER = EARN - (CFO + \Delta AR + \Delta INV - \Delta AP - DPAMT)$$

متغیرهای مستقل تحقیق حاضر، رفتارهای مدیریت سود به لحاظ کاهشنده بودن یا افزایشنده بودن آن و همچنین، فرصت طلبانه و یا غیرفرصت طلبانه بودن آن است. فرصت طلبانه بودن مدیریت اقلام تعهدی به معنی شرکتی است که انتخاب رویه‌های حسابداری آنها متأثر از انگیزه‌های فرصت طلبانه مدیران بوده است و بقیه شرکتها در گروه غیر فرصت طلبانه مدیریت اقلام تعهدی قرار می‌گیرند. استدلال ضمنی در گروه بندی ذیل، بر این اساس است که مدیران ترجیح می‌دهند به پیش‌بینی‌ها و یا فراتر از آن دست یابند و چنانچه رفتار مدیریت در این امر فرصت طلبانه باشد؛ سعی می‌کنند این کار را از طریق دخالت در اقلام تعهدی اختیاری انجام دهند.

الف) نمونه مدیریت افزایشنده سود فرصت طلبانه

در گروه شرکتی متعلق به نمونه فرصت طلبانه مدیریت اقلام تعهدی چنانچه سود گزارش شده اولیه، مساوی یا بیش از سود پیش‌بینی شده باشد، مدیر در زمان پیش‌بینی سود، سعی در

مطلوب جلوه دادن وضعیت شرکت داشته است. همچنین، از آنجاییکه فرض می شود که سود تجدید ارائه شده عاری از هر گونه خطا و انگیزه‌های منفعت جوینانه مدیران است، چنانچه سود گزارش شده اولیه بیش از سود تجدید ارائه شده باشد؛ حاکی از مدیریت سود افزایشی است و به این ترتیب شرکت - سالهایی که شرایط ذیل در آنها برقرار باشد؛ در گروه نمونه فرصت طلبانه مدیریت ارقام تعهدی قرار می گیرند.

OI: سود گزارش شده اولیه (سود و زیان ویژه پس از کسر مالیات)

MF: پیش‌بینی سود مدیریت (بیش‌بینی سود هر سهم \times تعداد سهام)

$$OI \geq MF > RI$$

RI: سود تجدید ارائه شده

ب) نمونه مدیریت افزایشی سود غیرفرصت طلبانه

در مقابل، شرکت‌هایی که مدیریت سود افزایشی داشته‌اند ولی این امر، مرتبط با یک سود از پیش تعیین شده نباشد؛ در گروه شرکت - سالهای نمونه غیرفرصت طلبانه مدیریت ارقام تعهدی قرار می‌گیرند که فرض می‌شود در این گروه، انتخاب رویه‌های گزارشگری مالی تنها مبتنی بر مدیریت سود افزایشی بوده و احتمالاً، نگرش مدیر مبتنی بر انتخاب رویه‌های خاص گزارشگری در جهت اعمال نظر بر ارقام تعهدی اختیاری نبوده است. همچنین شرکت‌هایی که به سود پیش‌بینی شده مدیریت دست نیافته‌اند؛ در این گروه قرار می‌گیرند. زیرا که عدم دستیابی به سود از پیش تعیین شده می‌توان نشانه‌ای از عدم بکارگیری و یا عدم توانایی در بکارگیری رویه‌های ارقام تعهدی اختیاری مبتنی بر انگیزه‌های مدیریتی است. در مقابل، شرکت - سالهایی که شرایط روابط ذیل در آنها برقرار باشد؛ در این گروه قرار می‌گیرند.

$$OI > RI \geq MF \quad \text{یا} \quad MF > OI > RI$$

ج) نمونه مدیریت کاهنده سود فرصت طلبانه

چنانچه اختلاف بین سود گزارش شده اولیه با سود تجدید ارائه شده، منفی باشد؛ حاکی از رویه‌های گزارشگری مبتنی بر مدیریت سود کاهنده است که نشان می‌دهد مدیر، انگیزه‌هایی برای کم‌نمایی سود گزارش شده داشته است و رویه‌های گزارشگری مالی را مبتنی بر این انگیزه‌ها اعمال نموده است. در این رویکرد، صرف نظر از اینکه، مدیریت از کاهنده سود وجود داشته است؛ چنانچه مدیر به سود پیش‌بینی شده دست یافته باشد؛ بعنوان مدیریت سود فرصت طلبانه مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین، انگیزه نهفته در مدیریت کاهنده سود، باعث می‌شود سود دوره جاری به دوره بعد منتقل شود و مدیر در دوره $(t+1)$ به سود هدف دست یابد. بنابراین، چنانچه دو شرط ذیل در خصوص شرکتی برقرار باشد، در نمونه مدیریت کاهنده سود فرصت طلبانه قرار می‌گیرد.

$$RI_t \geq OI_t \geq MF_t \quad \text{و} \quad OI_{t+1} \geq MF_{t+1} \geq RI_{t+1}$$

د) نمونه مدیریت کاهنده سود غیرفرصت طلبانه چنانچه شرکتی رابطه اول و دوم را بصورت همزمان باهم نداشته باشد، در نمونه مدیریت کاهنده سود غیر فرصت طلبانه قرار می‌گیرد.

۳-۳- روش آزمون فرضیه‌های تحقیق

جهت آزمون فرضیه‌ها تحقیق، مدل رگرسیونی آزمون فرضیه‌ها، در هر یک از نمونه‌های تفکیک شده بر اساس انگیزه‌های مدیریتی، یکبار مثبتی بر اطلاعات اولیه و یکبار مثبتی بر اطلاعات تجدید ارائه شده، از طریق چهار چوب نظری بارت برازش شد. پس از برازش مدل‌ها، توانایی پیش بینی کنندگی آنها از طریق مقایسه ضریب تعیین و مجذور خطاهای مدل بررسی شد. در این تحقیق از نرم افزارهای آماری اس پی اس ۱ و اکسل ۲ استفاده شده است. در این راستا و جهت مقایسه توانایی پیش بینی کنندگی مدل‌های برازش شده به لحاظ آماری از آزمون ونگ (۱۹۸۹) نیز که یک ضریب درست نمایی است؛ استفاده شد. جهت حصول نتایج آماری معتبر، قدرت پیش بینی کنندگی مدل‌های برازش شده از طریق آزمون ونگ (۱۹۸۹) بررسی شده است. این آزمون از طرق نرم افزار آماری ساس ۳ انجام شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- نتایج تجزیه و تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق

نتایج تجزیه و تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق نشان می‌دهند که از مجموع نمونه آماری تحقیق، تعداد ۳۹ شرکت - سال در نمونه مدیریت افزایشده سود فرصت طلبانه، ۲۷۲ سال - شرکت در نمونه مدیریت افزایشده سود غیرفرصت طلبانه، ۶ شرکت - سال در نمونه مدیریت کاهنده سود فرصت طلبانه و ۱۱۸ شرکت - سال در نمونه مدیریت کاهنده سود غیرفرصت طلبانه قرار گرفته‌اند. با توجه به مجموع نتایج حاصله تعداد ۴۳۵ شرکت - سال از ۴۷۸ شرکت - سال در شرایط مربوط به مدیریت سود به لحاظ کاهنده و افزایشده فرصت طلبانه و غیر فرصت طلبانه بودن صدق می‌کند. بنابر این در ۴۳ شرکت - سال اقدامی در جهت مدیریت سود مشاهده نمی‌شود. نمونه مدیریت افزایشده سود غیرفرصت طلبانه دارای بیشترین تعداد و نمونه مدیریت کاهنده سود فرصت طلبانه دارای کمترین تعداد مشاهدات می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که مدیران شرکتهای نمونه آماری، بیشتر تمایل به پیش نمایی سود داشته‌اند و احتمالاً این پیش نمایی در راستای نیل به مبالغ بودجه‌ای یا از پیش تعیین شده، نبوده است.

۴-۲-آزمون فرضیه ها

الف) آزمون فرضیه اول

H0: بین توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در نمونه مدیریت افزایشده سود فرصت طلبانه در پیش بینی جریانهای نقدی آتی تفاوت وجود ندارد

H1: بین توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در نمونه مدیریت افزایشده سود فرصت طلبانه در پیش بینی جریانهای نقدی آتی تفاوت وجود دارد.

جدول ۲: نتایج تحلیل آماری برای آزمون فرضیه اول

۲-۱) نمونه مدیریت افزایشده سود فرصت طلبانه(اطلاعات اولیه)						
معنی داری F	آماره F	دوربین واتسون	R2 تعدیل شده	هم خطی	معنی داری	آماره t
۰/۰۰۳	۱۴/۱۹۳	۲/۰۱۵	۰/۳۳۵	متغیر	ضریب β (استاندارد)	اندازه (شده)
تورم واریانس	تورم واریانس	تورم واریانس	تورم واریانس	تورم واریانس	تورم واریانس	تورم واریانس
س	س	س	س	س	س	س
۱/۳۲	۰/۶۸	۰/۸۲	۳/۸۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱/۴۱	۰/۶۲	۰/۴۷	۲/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴
۱/۳۱	۰/۶۴	۰/۷۲	۲/۷۴	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱
۱/۴۵	۰/۶۰	۰/۱۵	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۴۷	۰/۴۷
۱/۶۰	۰/۶۲	-۰/۰۳	-۰/۲۳	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۸۱
۱/۳۶	۰/۶۲	۱/۱۰	۲/۸۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۲-۲) نمونه مدیریت افزایشده سود فرصت طلبانه(اطلاعات تجدید ارائه شده)						
معنی داری F	آماره F	دوربین واتسون	R2 تعدیل شده	هم خطی	معنی داری	آماره t
۰/۰۰۷	۱۳/۶۵۴	۲/۰۱۰	۰/۲۹۵	متغیر	ضریب β (استاندارد)	اندازه (شده)
تورم واریانس	تورم واریانس	تورم واریانس	تورم واریانس	تورم واریانس	تورم واریانس	تورم واریانس
س	س	س	س	س	س	س

بطور کلی، مقایسه آماره‌های قدرت توضیح دهنده مدل‌ها، حاکی از برتری توانایی اطلاعات اولیه در پیش‌بینی جریانهای نقدی آتی در نمونه مدیریت افزایشده سود فرصت طلبانه است

جدول ۳: نتایج آزمون ونگ برای مدل های برزاش شده در نمونه مدیریت افزایشده سود فرصت طلبانه

معنی آزمون ونگ	داری آماره Z ونگ	R2 تعدیل شده مدل	اطلاعات اولیه (1)	اطلاعات تجدید ارائه شده (2)
۰/۰۰۰	۳/۵۷	۰/۳۳		

با توجه به نتایج، سطح معناداری آزمون ونگ، کمتر از ۰/۰۵ است و فرض H_0 فوق رد می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که توانایی پیش بینی اطلاعات اولیه بطور معناداری، بالاتر از توانایی پیش بینی اطلاعات تجدید ارائه شده می باشد. بر این اساس، فرضیه اول تحقیق و ادعای مطرح شده در آن در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می شود.

ب) آزمون فرضیه دوم

H_0 : بین توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در نمونه مدیریت افزایشده سود غیرفرصت طلبانه در پیش بینی جریانهای نقدی آتی تفاوت وجود ندارد.

H_1 : بین توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در نمونه مدیریت افزایشده سود غیرفرصت طلبانه در پیش بینی جریانهای نقدی آتی تفاوت وجود دارد.

جدول ۴: نتایج تحلیل آماری برای آزمون فرضیه دوم

۴-۱: نمونه مدیریت افزایشده سود غیرفرصت طلبانه (اطلاعات اولیه)						
معنی داری F	آماره F	دوربین واتسون	R2 تعدیل شده	تورم هم خطی	تورم واریانس	تلورانس
۰/۰۰۰	۴۲/۴۲	۲/۲۸	۰/۴۷	متغیر		
	معنی داری (P-value)	آماره t	اندازه ضریب β (استاندارد)			
۱/۸۲	۰/۵۴	۹/۱۵	۰/۵۴	CFO		
۱/۸۵	۰/۵۴	-۱/۴۶	-۰/۰۸	ΔAR		
۱/۴۹	۰/۶۳	-۲/۶۳	-۰/۱۷	ΔINV		
۱/۳۶	۰/۷۳	-۲/۷۳	-۰/۱۴	ΔAP		
۱/۰۷	۰/۹۲	۱/۹۶	۰/۰۸	DPAMT		
۱/۷۳	۰/۵۶	-۲/۷۵	-۰/۲۳	OTHER		
۴-۲) نمونه مدیریت افزایشده سود غیرفرصت طلبانه (اطلاعات تجدید ارائه شده)						
معنی داری F	آماره F	دوربین واتسون	R2 تعدیل شده			
۰/۰۰۰	۳۹/۸۰	۲/۲۲	۰/۴۶			

متغیر	ضریب β (استاندارد)	اندازه ضریب β (شده)	آماره t	معنی داری (P-value)	تورم	هم خطی
CFO	۰/۷۳	۵/۱۶	۰/۰۰	۰/۵۹	۱/۳۲	تورانس
ΔAR	-۰/۰۲	-۰/۴۲	۰/۶۷	۰/۵۱	۱/۹۴	واریانس
ΔINV	۰/۰۲	۰/۲۷	۰/۷۸	۰/۶۳	۱/۳۹	
ΔAP	-۰/۰۹	-۱/۷۷	۰/۰۷	۰/۶۸	۱/۴۷	
DPAMT	۰/۰۶	۱/۲۵	۰/۲۰	۰/۷۹	۱/۲۶	
OTHER	۰/۱۱	۰/۶۳	۰/۵۲	۰/۶۶	۱/۳۱	

بطور کلی، مقایسه آماره‌های قدرت توضیح دهنده مدل‌ها، حاکی از برتری توانایی اطلاعات اولیه در پیش‌بینی جریانهای نقدی آتی در نمونه مدیریت افزایش سود غیرفرصت طلبانه است. جدول ۵: نتایج آزمون ونگ برای مدل‌های برازش شده در نمونه مدیریت افزایش سود غیرفرصت طلبانه

مدل	R ² تعدل شده	معنی داری آزمون ونگ	آماره Z ونگ
۱) اطلاعات اولیه	۰/۴۷	۱/۴۹	۰/۱۴
۲) اطلاعات تجدید ارائه شده	۰/۴۶		

با توجه به نتایج، سطح معناداری آزمون ونگ، بیشتر از ۰/۰۵ است و فرض H_0 فوق پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توانایی پیش‌بینی اطلاعات اولیه و توانایی پیش‌بینی اطلاعات تجدید ارائه شده به لحاظ آماری یکسان می‌باشد. بر این اساس، فرضیه دوم تحقیق و ادعای مطرح شده در آن در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

ج) آزمون فرضیه سوم

H_0 : بین توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در نمونه مدیریت کاهش سود فرصت طلبانه در پیش‌بینی جریانهای نقدی آتی تفاوت وجود ندارد

H_1 : بین توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در نمونه مدیریت کاهش سود فرصت طلبانه در پیش‌بینی جریانهای نقدی آتی تفاوت وجود دارد

بدلیل ناچیز بودن حجم نمونه، امکان برازش مدل رگرسیونی وجود ندارد و حاکی از این است که مدیران شرکتهای نمونه آماری، بطور فرصت طلبانه ای سعی در کم نمایی سود گزارش شده نداشته اند.

د) آزمون فرضیه چهارم

H_0 : بین توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در نمونه مدیریت کاهش سود غیرفرصت طلبانه در پیش‌بینی جریانهای نقدی آتی تفاوت وجود ندارد

H_1 : بین توان اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده در نمونه مدیریت کاهش سود غیرفرصت طلبانه در پیش‌بینی جریانهای نقدی آتی تفاوت وجود دارد

جدول ۶: نتایج تحلیل آماری برای آزمون فرضیه چهارم

۱-۶) نمونه مدیریت کاهنده سود غیر فرصت طلبانه (اطلاعات اولیه)

معنی داری F	آماره F	دوربین واتسون	R2 تعدیل شده
۰/۰۰۰	۱۹/۱۶	۱/۹۳	۰/۴۸
هم خطی	معنی داری (P-value)	آماره t	اندازه ضریب β (استاندارد شده)
تورم واریانس	تلورانس		
۱/۴۷	۰/۶۸	۹/۶۷	۰/۷۸ CFO
۱/۳۴	۰/۶۴	۴/۷۴	۰/۶۴ ΔAR
۱/۳۶	۰/۶۵	۴/۴۹	۰/۲۶ ΔINV
۱/۲۸	۰/۷۷	۰/۸۷	۰/۰۶ ΔAP
۱/۲۳	۰/۸۱	-۱/۱۹	-۰/۰۸ DPAMT
۱/۳۲	۰/۶۴	۴/۶۳	۰/۵۴ OTHER

۲-۶) نمونه مدیریت کاهنده سود غیر فرصت طلبانه (اطلاعات تجدید ارائه شده)

سطح معنی داری F	آماره F	آماره دوربین واتسون	R2 تعدیل شده
۰/۰۰	۱۷/۷۲	۱/۹۱	۰/۴۶
هم خطی	معنی داری (P-value)	آماره t	اندازه ضریب β (استاندارد شده)
تورم واریانس	تلورانس		
۱/۴۴	۰/۶۹	۹/۳۰	۰/۷۵ CFO
۱/۳۵	۰/۶۵	۴/۱۴	۰/۵۵ ΔAR
۱/۳۵	۰/۶۷	۴/۰۰	۰/۰۲ ΔINV
۱/۲۳	۰/۸۰	۰/۵۰	۰/۰۳ ΔAP
۱/۲۳	۰/۸۱	-۱/۱۱	-۰/۰۸ DPA MT
۱/۳۹	۰/۶۵	۴/۰۱	۰/۲۲ OTHER

جدول ۷: نتایج آزمون ونگ برای مدل های برازش شده در نمونه مدیریت کاهنده سود غیر فرصت طلبانه

معنی داری آزمون ونگ	آماره Z ونگ	R2 تعدیل شده	مدل
۰/۰۴	۲/۰۰	۰/۴۸	(1) اطلاعات اولیه
		۰/۴۶	(2) اطلاعات تجدید ارائه شده

سطح معناداری آزمون ونگ، کمتر از ۰/۰۵ است و فرض H_0 فوق رد می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که توانایی پیش بینی اطلاعات اولیه بطور معناداری، بالاتر از توانایی پیش بینی اطلاعات تجدید ارائه شده می باشد. بر این اساس، فرضیه چهارم تحقیق و ادعای مطرح شده در آن در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می شود.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

در مجموع نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان داد که توان پیش بینی اطلاعات گزارش شده اولیه در پیش‌بینی جریانهای نقد آتی از توان پیش‌بینی اطلاعات تجدید ارائه شده، بیشتر بوده است. این یافته‌ها با مبانی نظری تحقیق و با نتایج تحقیق بادرچر و همکاران (۲۰۱۱) ناسازگار است. برخی از شواهد نظری نشان می‌دهند که رویداد تجدید ارائه بر رفتار گزارشگری مالی مدیران موثر است و انگیزه مدیران را برای ارائه اطلاعاتی که استفاده‌کنندگان را در پیش‌بینی رویدادهای آتی کمک کند؛ کاهش می‌دهد. در این خصوص، یافته‌های فرضیه اول را می‌توان در راستای نتایج اترگ و همکاران (۲۰۱۲) دانست و اینگونه برداشت نمود که اطلاعات تجدید ارائه نیز ممکن است تحت تاثیر انگیزه‌های شهرت و اعتبار مدیران در ارائه اطلاعات به استفاده‌کنندگان و نگرانی آنها از دقت این اطلاعات باشد. دلیل ناسازگاری نتایج حاصل از فرضیه اول تحقیق با یافته‌های بادرچر و همکاران (۲۰۱۱) به این صورت استدلال می‌شود زمانیکه مدیران بطور فرصت طلبانه ای اقدام به مدیریت افزایش سود می‌کنند؛ انگیزه‌های تلاش بیشتر در جهت بالا بردن کارآیی شرکت در آنها تقویت می‌شود. این امر از آنجا ناشی می‌شود که ادامه روند مدیریت افزایش سود در طول عمر یک شرکت غیرممکن است و مدیریت اقلام تعهدی در یک مقطع زمانی بدلیل انباشته شدن این اقلام در صورتهای مالی، باید متوقف شود.

نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد که توان پیش‌بینی اطلاعات گزارش شده اولیه و تجدید ارائه شده یکسان است. این یافته با نتایج حاصل از تحقیق بادرچر و همکاران (۲۰۱۱) سازگار است. آنها چنین استدلال نمودند که درک شرکتهای نمونه آماری غیرفرصت طلبانه از برخی رویه‌ها و مقررات سازمان بورس، ممکن است منجر به یکسان شدن توانایی اطلاعات تجدید ارائه شده و اولیه شده باشد. در تحلیل یافته‌های فرضیه دوم تحقیق، باید توجه داشت که توان پیش‌بینی نمونه مدیریت افزایش سود غیر فرصت طلبانه به مراتب بالاتر از توان پیش‌بینی اطلاعات نمونه مدیریت افزایش سود فرصت طلبانه است. براین اساس، بنظر می‌رسد که اولاً، انگیزه‌های فرصت طلبانه مدیران در گزارشگری مالی، بطور بالقوه توانایی پیش‌بینی اطلاعات را تضعیف می‌کند و این یافته مطابق با مبانی نظری تحقیق است و دوماً، تجدید ارائه اطلاعات در نمونه غیر فرصت طلبانه عمدتاً ناشی از سوء تعبیر رویه‌های پذیرفته شده حسابداری از جانب مدیران بوده است و آنها در گزارش سودها، انگیزه ای در جهت دستیابی به ارقام پیش‌بینی شده نداشته‌اند. این امر باعث می‌شود که ارقام گزارش شده اولیه، فاقد سوگیری مدیر باشد و در نتیجه موجب عدم پیگیری اطلاعات منعکس شده در این ارقام در سال‌های آتی گردد.

همچنین، نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱) اظهار می‌کنند یکی از عوامل موثر بر تجدید ارائه حسابداری، ویژگی‌های مدیریت است. آنها طول دوره تصدی مدیریت و تغییر مدیریت را

موردنظر قرار داده و به نتایج معناداری دست یافتند. یافته‌های این تحقیق را می‌توان با نتایج فرضیه دوم سازگار دانست. در این راستا، می‌توان اینگونه برداشت نمود که چنانچه در نبود انگیزه‌های فرصت طلبانه، تفاوتی بین توان پیش‌بینی اطلاعات اولیه و تجدید ارائه شده وجود ندارد؛ این امر بطور بالقوه ناشی از ویژگی‌های مدیران و تمایلات آنها بوده است که در پژوهش نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱) تاثیر دو عامل دوره تصدی مدیریت و تغییر مدیریت بر رویداد تجدید ارائه ثابت شده است.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم نتیجه‌گیری در خصوص این فرضیه بدلیل ناچیز بودن تعداد نمونه، امکان پذیر نبوده است. عبارت دیگر، در میان شرکت‌های پذیرفته شده در بازار اوراق بهادار تهران که در طول دوره تحقیق، تجدید ارائه اطلاعات داشته‌اند؛ تعداد بسیار کمی، اقدام به مدیریت کاهنده سود نموده‌اند. دلیل این رویداد را می‌توان از طریق تفسیر انگیزه‌های مدیران در خصوص کم‌نمایی سود، توضیح داد. شواهد تجربی نشان می‌دهند که مدیران شرکت‌های سهامی، انگیزه‌های متفاوتی برای دستکاری سودهای گزارش شده دارند (دیچو و دجو، ۲۰۰۳؛ تاکر و همکاران، ۲۰۰۶؛ همتی، ۱۳۸۲). برای مثال، تاکر و همکاران (۲۰۰۶)، سه انگیزه پاداشی، تغییرپذیری عملیاتی و کسب فرصت مالیاتی را انگیزه‌های اصلی مدیران در جهت گزارشگری مالی خلاف واقع، مطرح نمودند. آنها دریافتند که مسائل نمایندگی و مکانیزم‌های حاکمیتی، تعیین‌کننده انگیزه مدیران در دستکاری سود گزارش شده است و عنوان نمودند که شرکت‌هایی که دارای تمرکز مالکیت بالایی هستند؛ با احتمال بیشتری دست به مدیریت کاهنده سود می‌زنند و انگیزه بخش عمده‌ای از مدیرانی که به مدیریت کاهنده سود پرداخته‌اند؛ کسب فرصت مالیاتی و انباشت منابع در شرکت بوده است. به نظر می‌رسد که مدیران شرکت‌ها انگیزه‌ای برای مدیریت کاهنده سود نداشته‌اند و این امر احتمالاً بدلیل فشارهای سیاسی و یا نظارتی بر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس می‌باشد که این شرکت‌ها، فرصتها و تمایلات کمتری برای انحراف گزارشات مالی در جهت انگیزه‌هایی مانند کسب فرصت مالیاتی داشته‌اند. در نهایت مطابق با یافته‌های فرضیه چهارم، توان اطلاعات اولیه در پیش‌بینی جریانهای نقدی آتی بطور معناداری بالاتر از توان پیش‌بینی اطلاعات تجدید ارائه شده است. این یافته حاکی از این است که چنانچه سود حسابداری تحت تاثیر عواملی قرار بگیرد که متاثر از انگیزه‌های منفعت جویانه مدیران نیست؛ اطلاعات اولیه دارای توان پیش‌بینی جریانهای نقدی بالاتری از اطلاعات تجدید ارائه شده می‌باشد. نتایج هر دو فرضیه اول و چهارم حاکی از این است که صرفنظر از انگیزه‌های منفعت طلبانه مدیران توانایی پیش‌بینی اطلاعات اولیه از توانایی پیش‌بینی اطلاعات تجدید ارائه شده، بالاتر است. از این یافته‌ها می‌توان این‌گونه برداشت نمود که ممکن است برخلاف شواهد نظری تحقیق، توان پیش‌بینی اطلاعات تجدید ارائه شده توسط شرکت‌های نمونه آماری، کمتر از اطلاعات اولیه باشد بنابراین ممکن است، زمانیکه مدیران اقدام به تجدید ارائه اطلاعات می‌کنند، همه اجزای

اقدام تعهدی را تجدید ارائه نکنند و این امر باعث ایجاد ناهماهنگی در اجزای اقدام تعهدی تجدید ارائه شده می شود. در مقابل اجزای اقدام تعهدی اطلاعات اولیه، نشات گرفته از یک رویکرد گزارشگری واحد بوده و احتمالاً همین امر، منجر به بالاتر بودن توان پیش بینی آنها شده باشد.

در این راستا، آلبرینگ و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که تجدید ارقام بر نرخ رشد شرکتها تاثیر منفی دارد. بنظر می رسد کم نمایی سود حسابداری صرفنظر از انگیزه های منفعت جوینه مدیران، ممکن است ناشی از تاثیر نامطلوب رویداد تجدید ارائه بر معیارهای عملکردی شرکت باشد و این امر بطور بالقوه توان پیش بینی اطلاعات را کاهش دهد.

به سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان از اطلاعات مالی توصیه می شود که ضمن توجه به اطلاعات تجدید ارائه شده و ارزیابی محیط اطلاعاتی شرکتها، سعی نمایند که تصمیمات سرمایه گذاری خود را بر پایه اطلاعات اولیه اتخاذ نمایند و از این اطلاعات برای برآورد جریانهای نقدی آتی بهره ببرند. زیرا ثابت شد که توانایی پیش بینی اطلاعات اولیه از اطلاعات تجدید ارائه شده بیشتر می باشد.

یادداشتها

- 1-SPSS(Sciences Statistical Package for the Social)
- 2-EXCE(Microsoft Office Excel)
- 3-SAS(Statistical Analysis System)

کتابنامه

- ۱- خواجهوی، شکراله و زارع، غلامحسین (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ساز و کارهای راهبری شرکتی و انتخاب حسابرس در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۳۸-۵۲.
- ۲- خواجهوی، شکراله و امین ناظمی (۱۳۸۴)، بررسی ارتباط بین کیفیت سود و بازده سهام با تاکید بر نقش ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۰، تابستان، صص ۳۷-۶۰.
- ۳- کردستانی و لطفی (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین خطای پیش بینی سود و اقدام تعهدی. مجله پژوهش های حسابداری مالی سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، صص ۶۳-۷۸.
- ۴- نیکبخت، محمدرضا و رفیعی افسانه (۱۳۹۱). تدوین الگوی عوامل موثر بر تجدید ارائه صورتهای مالی در ایران. فصلنامه دانش حسابداری، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۷۵-۲۰۶.

5- Albring,S.M, Huang.SH and Pereira.R (2012).The Effects of Accounting Restatements on Firm Growth. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2148059>

6- Barth, M.,Cram,D. ,Nelson,K.(2001).Accrualsand the prediction of future cash flows. TheAccounting Review76,27-58.

- 7- Badertscher.B.A,Collins. D.W.,Lys.T.Z(2011).Discretionary accounting choices and the predictive ability of accruals with respect to future cash flows, doi:10.1016
- 8- Dechow. P,Richardson,S.,Tuna ,I.(2003). Why are earning skinky? An examination of the earnings management explanation. Review of Accounting Studies 8,355-384
- 9- Ettredge.M, Huang. Y and Zhang.W(2012). Restatement Disclosures and Management Earnings Forecasts. Electronic copy available <http://ssrn.com/abstract=1764524>
- 10- Francis, J.;R. LaFond; P. Olsson & K. Schipper, (2005), "Earnings quality and the pricing effects of earnings patterns" , working paper, Duke University, p. 53-72
- 11- Gleason, C. A., N. T. Jenkins & W. B. Johnson. (2008). "The Contagion Effects of Accounting Restatements". The Accounting Review, Vol. 83. pp. 83-110.
- 12- Healy P.M, wahlen J.M. A review of the earnings management literature and its implications for standard settings. Accounting Horizon 1993; 13:365-383
- 13- Lorek, K.S., and Willinger, G.L. (2009). New Evidence Pertaining of Operating Cash Flows. Rev Quant Finance Acc 32, 10-15.
- 14- Tucker, J. W., and P. A. Zarowin, 2006, Does income smoothing improve earnings informativeness?The Accounting Review 81, 251-270.
- 15- Xia, W. (2006). Accounting Restatements: A Comparison between China and USA. Journal of Modern Accounting and Auditing ,2(10), 1116-1121.